

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه آقای بازرگان به آیت الله محمدی گیلانی

آیت الله جناب آقای شیخ محمد محمدی گیلانی

رئیس و حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب مرکز

پس از سلام و دعای توفیق آن جناب در آنچه رضای خدا و خدمت به خلق است زحمت افزا می‌شوم:

مصاحبه‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ با جنابعالی شده بود که قسمتهایی از آن اشاره و ارتباط به دولت موقت و شخص اینجانب داشت. از آنجا که صیانت قضات شرع از اظهارات خلاف حق و از اطلاعات خلاف حقیقت، وظیفه ملی و دینی همه بوده و برای سلامت و امنیت جامعه ضرورت دارد تا کسانی که باید مدافع سرسخت حقوق و حیثیت افراد و تعزیرکننده مفتریان و متعديان باشند دچار جوزدگی اشتباه و افترا نگردند، لازم دیدم به مصداق «فذكر فان الذكري تنفع المومنين» توضیحات و تصحیحات ذیل را به استحضارتان برسانم و ضمناً خواهش کنم (بر اساس قانون مطبوعات مورخ ۵/۵/۲۰ مصوب شورای انقلاب که مطبوعات را ملزم به درج جواب و دفاع متهم‌شدگان و توهین‌شدگان می‌نماید) به روزنامه مصاحبه‌گر تاکید فرمایید بر طبق ماده ۱۵ و ۱۶ آن قانون متن این نامه را در اولین شماره خود چاپ کند.

قبلاً از اینکه بیانات جنابعالی لااقل لحن معقول و منطقی داشته است تشکر و اظهار امیدواری می‌نمایم.

در مصاحبه پس از ادای بسم الله الرحمن الرحيم چنین فرموده‌اید: «از آغاز پیروزی انقلاب و شکل‌گیری دولت موقت جناب آقای بازرگان با اشتباه در کار بوده یا املا و دیکته از بیگانگان و تعمدي در کار بوده که تلاش می‌شده نهادهای انقلابی با حیل‌هایی تضعیف شوند، بلکه از بین بروند. یکی از این نهادها دادگاه‌های انقلاب بوده است. شاید یادتان باشد که خیلی تلاش از طرف دولت موقت می‌شد که اساس دادگاه‌های انقلاب مثلاً برجیده شود و یا سپاه پاسداران جمع شود.»

ذیلاً با اجازه شما نسبت به هریک از موارد اتهامات غیروارد و خلاف حق توضیحات و شواهدی می‌آورم:

۱- گمانی که گناه است.

جناب آقای حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب مرکز چگونه این فرض یا احتمال را به ذهن و زبان خود راه داده‌اند که املا و دیکته‌ای از بیگانگان در کار دولت موقت بوده باشد در حالی که شورای انقلاب و شخص امام علاوه بر تصریح به اعتماد و اطلاع از سوابق ایمان و مبارزات ملی و اسلامی نخست‌وزیر منتخب خود و تصویب فرد فرد وزراء، همکاری نزدیک با دولت موقت و استحضار و مشاوره منظم و نظارت مستمر بر افکار و اعمال آن داشته‌اند؟ امکان چنین غفلت و اجازه چنان املا و دخالت را چگونه توجیه می‌فرمایید و آیا قابل تصور هست و نمونه و شواهدی دارید که دولت موقت حیل‌گر یا عالماً عامداً اشتباه‌کار بوده است؟ هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین.

درست است که اتهامات فوق را که در پیش مردم نزد خدا بسیار سنگین و پرمکافات است به ضرس قاطع وارد نکرده احتمال داده‌اید ولی آیا همین بدگمانی از مصادیق مسلم «ان بعض الظن اثم» نیست؟ آیا سزاوار است کسی در مقام و موقعیت جنابعالی به پیروی از جو سیاسی حاکم و تبلیغات رایج، به دور از علم و یقین و بدون ارائه مدرک و برهان اصل قرآنی «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» را زیر پا گذاشته بزرگترین تهمت را به کسی و به کسانی که تنها جرمشان اعتماد و اجابت دعوت رهبر عالیقدر و شورای انقلاب بوده است وارد سازد؟

۲- دولت موقت و دادگاههای انقلاب

خواهش می‌کنم بفرمایید چه تلاشی از طرف دولت موقت برای برچیدن اساس نهادهای انقلابی از قبیل دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران و یا جهاد سازندگی به عمل آمده بود؟

شاید جنابعالی استحضار ندارید که اصل فکر و درخواست کننده و پیشنهاددهنده اساسنامه نهادهای نامبرده در بالا دولت موقت بوده است؟ و دولت از هر فرصتی برای تایید و تقویت و تزکیه آنها استفاده کرده است.

آیا در تجدید ترکیب هیئت دولت برای رفع تعدد مراکز تصمیم‌گیری و احتراز از تعارضات اجرایی، اصرار از طرف اینجانب به عمل نیامده بود که یکی از حضرات موسوی اردبیلی و دکتر بهشتی عضو دولت شده وزارت دادگستری و سرپرستی دادگاههای انقلاب را توأمأً عهده‌دار گردند؟ کاری که بعداً و در قالب شورای قضایی انجام گرفت.

وظیفه دادگاههای انقلاب طبق نظر امام و اساسنامه مصوب شورای انقلاب تعقیب و محاکمه و کیفر مباشرین و آمرین کشتارهای دوران انقلاب و غارتگران بیت‌المال بود و تنها حرف دولت بنا به مسئولیت خطیری که به عهده‌اش گذاشته شده، و مورد تأیید و دستور کتبی امام نیز قرار گرفت، این بود که احضار و بازداشت کارکنان دولت با اطلاع و همکاری وزیران مسئول انجام شود تا با پیش‌بینی‌های لازم، وقفه و اخلال در اداره امور مملکت در آن شرایط سخت پیش نیاید، نه آنکه دادگاه‌ها به کلی تعطیل گردند.

حقیقت امر و جریان واقعی کار درست عکس آن چیزی است که به عمد یا به جهل شایع ساخته دولت موقت را مماشات کننده یا ضدانقلاب و مدعی دادگاههای انقلاب قلمداد نموده‌اند. علاوه بر این دولت اصرار داشت که دادگاههای انقلاب کار اصلی خود را روی رسیدگی به عناصر و جریانات «ضد انقلاب» که بعد از پیروزی انقلاب دست به کار تخریب و براندازی جمهوری اسلامی می‌زدند متمرکز سازد. جنابعالی می‌توانید به نامه مورخ ۵۸/۲/۱۵ دولت موقت به‌عنوان رهبر عالیقدر انقلاب و شورای انقلاب مراجعه فرمایید. آنجا که نوشته و مصرأً خواسته بودیم: «دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضد انقلاب که حالت داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند با تقاضای دولت جدا رسیدگی نماید و قاطعت ابراز دارد.»

۳- دولت موقت و سپاه پاسداران

همانطور که گفته شد اصل فکر و پیشنهاد و تشکیل‌دهنده سپاه پاسداران دولت موقت بوده و همواره مورد تایید و حمایت قرار داشته است من باب مثال چند مورد را ذکر می‌کنم:

در سخنرانی اینجانب در استادیوم ورزشی تبریز در ۵۸/۱/۴ در مورد سپاه چنین آمده است:

«این پاسداران انقلاب، اینهایی که از وقتشان، از راحتی‌شان از همه چیزشان می‌گذرند و همچنین با جان و دل و با میل و رغبت و با محرومیت پاسداری و همکاری می‌کنند واقعاً لذت می‌برم.»

در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در ۵۸/۴/۱۱ چنین گفته‌ام:

«... به‌عنوان کسی که خودش را دوست و ملت را مدیون و ممنون شما می‌داند آدمم با شما صحبت کنم. باید این انقلابی که تا اینجا رسیده است به دوش امثال شماها و دیگران باز هم ادامه پیدا کند. یعنی باز هم همکاری باشد، هم با دولت و هم با رهبری. دولت مأمور خدمت و انجام وظیفه است. باید با آن همکاری کرد، در آن خط آمد و آن راه را گرفت، برای اینکه راه ما (راه دولت) راه امام، راه شورای انقلاب و راه انقلاب و راه اسلام است.» «بنابراین کلمه

واحد، رهبر واحد و در ذیل آن باید یک محور باشد. دو محور و سه محور، یعنی پاسداران به روش خودشان، کمیته‌ها به روش خودشان، مراجع تقلید به روش خودشان، جبهه ملی به روش خودشان، دادگاهها به روش خودشان، این نمی‌شود، باید روشها یکی باشد. یعنی با توجه به ضرورت حالت حاضر انقلاب که دوران سازندگی است کوچکترین تشنّتی و تفرقه‌ای و اختلافی و کوچکترین عدم همکاری و عدم پشتیبانی از این محور و از این راه سقوط ما است.

بنابراین شکر خدا به خاطر نعمت دیدار و اطلاع از جمعیت و تشکیلات و اتحادی که دارید امتنان و دعای پیروزی و توفیق برای شما دارم.»

از کجای این سخنان «توطئه و یا حیل‌هایی برای تضعیف سپاه» استنباط می‌شود؟

۴- دولت موقت و جهاد سازندگی

در باره جهاد سازندگی، مگر این دولت موقت نبود که طرح آن را تهیه و پس از تصویب امام آن را به مرحله اجرا گذارد؟ و تمامی کوشش و تلاش خود را برای موفقیت جهاد سازندگی در تحقق برنامه‌های معقول و حساب شده‌اش به کار می‌برد؟

در پیام مخصوصی که در ماه‌های اول تشکیل، اختصاصاً «در مورد جهاد سازندگی تهیه و از رسانه‌های گروهی منتشر شد چنین گفته‌ام:

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

درد بر شهدای جهاد سازندگی که در مرحله دوم انقلاب با هدف ساختن جامعه توحیدی جان بر کف نهاده شربت شهادت نوشیدند.

سلام بر همه خواهران و برادران دانشجو و دانش‌آموزان که با شور و اشتیاق الهی و انقلابی خود، برای خدمت به برادران و خواهران محروم در روستاهای دورافتاده کشور مشغول خدمت گردیدند.

سلام بر همه هموطنانی که پیروزی مرحله سازندگی انقلاب را نیز همانند مرحله تخریبی آن ارج نهادند و به دنبال واژگون ساختن نظام ظلم، برای برپا داشتن نظام عدل جهاد کرده‌اند. با آروزی توفیق برای همه گروه‌های اجتماعی که در این نهضت مقدس با اخلاص و ایثار همکاری و مجاهدت نمودند.

تسلیت و تهنیت دولت به تمام خانواده‌هایی که جوانانشان در این جریان شربت شهادت نوشیده‌اند و یا خدمات و یا خسارات مختلفی را متحمل گردیده‌اند.»

سپس گزارش کوتاهی از آنچه که در آن مدت (۵ ماه بعد از آغاز برنامه‌ریزی برای جهاد و سه ماه بعد از دعوت امام) انجام شده بود به شرح زیر ارائه داده شد:

۱- به کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی ابلاغ شد که همکاری صمیمانه و تأمین وسایل مورد نیاز جهاد سازندگی را در حد امکانات خود بنمایند.

۲- به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ابلاغ شد که برای انتقال کارمندان داوطلب دولت به جهاد سازندگی موافقت نمایند.

۳- به ارتش جمهوری اسلامی خصوصاً تأکید شد در همکاری و تأمین پرسنل و وسایل و تجهیزات مورد درخواست طرح‌های سازندگی علاقمند باشند و همینطور هم شد.

۴- تصویب و ارسال ۲۰ میلیون تومان برای هر استان کلاً مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون تومان.

۵- تصویب مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای نیازهای ضروری روستاها از طریق جهاد سازندگی.

۶- در اختیار قرار دادن آن قدر از اعتبار مربوط به درآمد یک روز نفت که جهاد سازندگی می‌تواند در هر استان جذب کند.

۷- ایجاد شوراها و دفاتر جهاد سازندگی در استان‌ها با کمک و همکاری نمایندگان امام و نمایندگان دولت.

۸- تهیه اساسنامه جدید جهاد سازندگی که اجازه توسعه و سرعت فعالیت‌های برنامه‌ها و طرح‌های آن را به نحو بهتری ممکن می‌سازد.

۹- ایجاد سازمان لازم برای چاپ مجله جهاد سازندگی که هدفش پیوند بیشتر دادن مردم شهرها و روستاها توأم با انگیزش و آموزش در جهت هدف‌های جهاد سازندگی و آگاه کردن مردم از فعالیت‌های انجام شده است.

۱۰- دریافت حدود ۳ میلیون تومان از طرف مردم برای کمک به امور جهاد سازندگی.

۱۱- اعزام هزاران خواهر و برادر جوان دانشجو و غیردانشجو به روستاها و نقاط کشور.»

و بالاخره در پایان همین گزارش آمده است که:

«بنابراین امیدوارم که جهاد سازندگی خود را به نحوی سازمان دهد که بتواند مؤثرتر از هر زمان دیگر به اجرای طرح‌های عمرانی بپردازد، قادر به استفاده از کلیه منابع مالی و انسانی موجود گردد. برای این منظور هم از کارمندان محترم و همکارانم در ادارات و هم از داوطلبین و دانشجویان عزیز و فداکار علاوه بر تشکر، دعوت می‌کنم که برادروار و واقع‌بینانه یکدیگر را پذیرفته و تحمل نمایند و با همکاری صمیمی و منظم و منضبط و با تلاش خود، هرگونه عدم تفاهم و عدم ارتباط سازنده را از میان بردارند. با ایجاد کمیسیون‌های مشترک ادارات و جهاد سازندگی در هر سطح کشور از مرکز تا شهرستانها سعی کنند، نقشه اجرایی و استفاده از وسایل و منابع قابل استفاده را مورد ارزشیابی و برنامه‌ریزی قرار دهند. و به امید خداوند و با وحدت هماهنگی لازم و به دور از هرگونه دخالت مخرب، در جهت رفع نیازهای مملکت گام بردارند. به امید ایجاد و استقرار کامل جمهوری اسلامی و جامعه سراسر حرکت و برکت و برادری.»

مجموعه سخنرانیها و پیامها و مصاحبات رادیو و تلویزیونی اینجانب جمع‌آوری شده و در دسترس می‌باشد و در صورت تمایل و درخواست یک نسخه ارسال خواهد شد. با مطالعه این اسناد هر آدم منصفی قضاوت می‌کند که در آنها کمترین مطلبی که بتواند توجیه کننده بیانات خلاف واقع جنابعالی باشد وجود ندارد. بلکه بالعکس.

۵- عدالت اسلامی و دادگاه‌ها

اما مسئله کلی‌تر که عوامل بروز و توسعه و تشدید درگیری‌های مسلحانه و خرابکاری‌ها چه بوده، لازم است تذکر دهم که نهضت آزادی ضمن آنکه همواره اعمال ضد انقلاب و تروریسم و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را منع و محکوم کرده، دعوی و درخواستی جز این نداشته است که قانون اساسی و احکام قصاص به دور از تعدی از حدود الهی و از تلافی‌گری و تجاوز و تفریط اجرا گردد، آیه شریفه ولایجرمنکم شننان قون علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی فراموش نشود و وصیت مولای متقیان درباره ضارب خودش نصب العین باشد که فرمود مبادا به بهانه و با فریاد «قتل امیرالمومنین» متعرض کسان و همفکران او بشوید و در معادله‌بندی قصاص جلوتر از آن بروید. در هر حال ورود در این بحث که چگونه انصاف و تقوی باید رعایت شود و تا چه حد خصومت و خشونت موثر و قابل قبول می‌باشد احتیاج تام به امنیت قضایی، جو سالم اسلامی و وجود آزادی بر طبق قانون اساسی دارد.

ضمناً انقلابی عمل کردن یا نکردن در گذشته که به طور دربست عنوان فرموده‌اید تا آنجا که ارتباط با دولت موقت پیدا می‌کند موضوع سخت پیچیده، گره خورده به اختلافات و اغراض و انحرافات شده است که قاعدتاً تصدیق می‌فرمایید مبنای رسیدگی و ملاک قضاوت نسبت به آن، چیزی جز متن و منطوق فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ امام به عنوان اینجانب و قوانین و مصوبات حاکم در آن زمان نمی‌تواند باشد.

در هر حال بنده به نام اسلام و ایران، اتهامات بی‌اساس و سب و دشنام‌ها و تحریکات غیراسلامی و اخلاقی که مدتهاست علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران و اینجانب، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و برخی مدارس، مساجد، منابر و خطبه‌ها برخلاف ابتدایی‌ترین موازین اسلامی و اخلاقی و اصول قانون اساسی راه افتاده و متهمین و مظلومین از بدیهی‌ترین حق دفاع مشروع و جواب قانونی محروم می‌باشند، را رد کرده به جنابعالی نیز در مورد مطالبی که در ابتدای نامه آمده و قاضی خود مدعی شده است، گله و اعتراض داشته و به احکم الحاکمین که رب العالمین و مالک یوم الدین است وکالت می‌دهم.

والسلام علی من اتبع الهدی

مهدی بازرگان

۸ خردادماه ۱۳۶۱